

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

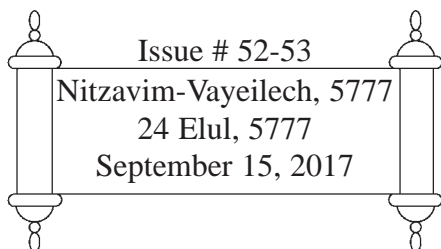
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, September 15, Light Shabbat Candles, by 6:41 p.m.

Saturday, September 16, Shabbat ends at 7:43 p.m.

(Times are for Los Angeles)

This week's issue is sponsored in part by:

B"H

YOSEF Y. SHAGALOV

Traveling Notary Public & Home Signing Agent

Member: National Notary Association

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092

E-mail: yys770@aol.com

"For All Your Notary Needs - At **Your** Location"

E-Z Office Machines
LA's Easy Office Solution

In Business Since 1990

SALE • SERVICE • REPAIR
RENT • LEASE

- COPIERS
- LASER PRINTERS
- FAX
- TYPEWRITERS

ISAAC
310-557-0702
FREE PICK-UP
& DELIVERY

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035
www.ezofficemachines.com

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

http://www.cpycenter.org

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzell Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

http://www.torah4blind.org

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

نیصاویم

نیصاویم پاراشایی است که همواره قبل از روش هشانا خوانده شده و این پاراشا با کلمات "امروز همگی شما در حضور خدای خالقان ایستاده اید" شروع میشود. در این پاسوق، بیسرائل ها هم بصورت جمعی و هم به صورت فردی مورد خطاب قرار گرفته اند. و در دنباله این پاسوق از سران اسباط گرفته تا کسانی که برای جماعت بیسرائل آب می کشند ذکر شده اند. در واقع تورا همه را در عبارت کُلی "همگی شما" جمع بندی می کند. مبحث زیر خلاصه ای از مطالب ربای لوباویچ می باشد که در دو روز روش هشانا بصورت نامه هایی نگاشته شده است. نیمه اول این مبحث مربوط می شود به ارتباط فرد با جامعه اش و اینکه آیا تورا که تاکید بر وحدت ملت بیسرائل می کند خواهان فدا شدن فردیت هاست؟ و نیمه دوم به آن یهودیانی که هنوز در کشورهای زندگی می کنند که تحت فشار سیاسی هستند مربوط می شود. کشورهای که مانع از آن می شوند که آنها ایمانشان را نشان بدهند و می پرسد که ما از این یهودیان چه می توانیم بیاموزیم؟

**To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095**

۱- فرد و اجتماع

پاراشای نیصاویم همواره در شبات قبل از روش هشانا واقع شده و خواندن آن ما را برای قبول سال نو آماده می کند. در این پاراشا، تورا هر فرد یهودی را با این کلمات مورد خطاب قرار میدهد. "امروز، همگی شما، در حضور خدای خالقان ایستاده اید، سران شما، اسباط شما، پیران شما، پاسبانان شما، تمامی مردان بیسرائل و... از چوب بران شما تا آنانکه آب برای شما می کشند." این کلمات به خودی خود دارای تناقض هستند. پاسوق با سخن گفتن از بیسرائل ها به عنوان یک واحد متحد "امروز همگی شما در حضور خدای خالقان ایستاده اید" بدون قائل شدن تفاوت مابین آنها شروع میشود. اما درست بعد از آن تورا از تفاوت طبقات اجتماعی بیسرائل ها سخن میگوید. زمانی که عبارت "همگی شما" همه را قبلا شامل شده است چرا دیگر این تفاوت های طبقات اجتماعی مانند سران شما، پیران شما و غیره و غیره ذکر می شود؟ تورا در اینجا نکته اساسی مهمی را به ما گوشزد می کند و ^۱ آن اینکه از یک طرف مابین همه

۱- رجوع شود به لیکوتی تورا آغاز پاراشای نیصاویم

بیسرائل‌ها می‌بایست وحدت و اتحاد وجود داشته باشد. و از طرف دیگر هر فرد یهودی وظیفه و سهم خاص خودش را داراست که می‌بایست این وظیفه شخصی‌اش را نیز انجام دهد. اما چنانچه این تفاوت‌ها، مابین طبقات اجتماعی بیسرائل‌ها می‌بایست وجود داشته باشد بخصوص مابین آنهایی که در اوج این طبقات هستند مانند سران و رهبران و آنهایی که در پائین‌ترین طبقات اجتماعی هستند مانند آنان که برای مردم آب می‌کشند، چگونه این وحدت و اتحاد واقعی می‌تواند برقرار بشود؟

جواب در خود پاسوق بالا موجود است. آنجا که می‌گوید "امروز همگی شما در حضور خالقان ایستاده اید" بخاطر آنکه همه بیسرائل‌ها در مقابل خداوند ایستاده‌اند، آن خدایی که تائین‌کننده قدرت^۲ و ایجادکننده موجودیت آنهاست و به همین خاطر آنها همه یک واحد را تشکیل می‌دهند.

این مطالب با یک مثال کوچک بهتر مشخص می‌شود. زمانی که چند نفر برای انجام یک هدف مشخص گرد هم جمع می‌شوند و یک گروه کوچک اجتماعی را تشکیل می‌دهند. این گروه کوچک اجتماعی چه هدفش اقتصادی باشد چه فلسفی و یا هر چیز دیگر اعضای آن در پولشان، در عقایدشان و در کوشش‌هایشان برای رسیدن به آن هدف، برای یک زمان معینی، شریک هستند و از آن استفاده می‌کنند. خارج از این شرکت آنها افراد جداگانه‌ای هستند که هر کدام دنیای شخصی خود را داشته و اهداف شخصی خود را دنبال می‌کند.

ملت بیسرائل اینگونه نمی‌باشد. شرکت آنها به نوعی است که در "مقابل خداوند" ایجاد شده است. "در مقابل خداوند خالقان" و هدف از ایجاد این شرکت آن است که "شما وارد پیمانی با خدای خالقان بشوید" و وارد سوگندی با او... "و این عهد و پیمان تملی شتون زندگی انسان را شامل میشود" نه فقط پولش را و کوشش‌هایش را و عقایدش را بلکه هر فرد برحسب ظرفیتش عضوان شرکت ابدی و دائمی است و این اتحاد و وحدتی است واقعی و حقیقی.

و در این کوشش و تلاش هر فرد یهودی در انجام سهم خاص خودش در این عهد و پیمان، کوشش و تلاش تمامی جماعت بیسرائل به میزان وسیعتر و بصورت ضمنی مستتر است. وحدت و اتحاد ملت بیسرائل نه با یک شکل کردن آنها ایجاد شده است بلکه با حفظ خصوصیت‌های فردی آنها در انجام فرامین خداوند. جماعت بیسرائل در مقابل خداوند فقط زمانی یک واحد بحساب می‌آید که هر فرد بیسرائل ماموریت خاص خودش را که مختص به اوست انجام دهد.

را در محدوده منطق خودمان عبادت می‌کنیم حتی فداکاری و از خودگذشتگی که از خود نشان می‌دهیم بستگی به نیازهایمان دارد. اما در روش هشانا ما به آنچنان حالت نفی از خود می‌رسیم که کاملاً ورای منطق است ما یک هدف منطقی را دنبال نمی‌کنیم بلکه ما جواب حالتی را می‌دهیم که از منبعی خارج از درک و فهم ما سرچشمه گرفته و در وجود ما ایجاد شده است.

این حالت اگر چه به روش هشانا مربوط می‌شود اما نمی‌بایست محدود به آن بشود. در بقیه مدت سال نیز زمانی که ما در محدوده منطق و عقل رفتار کرده و زندگی می‌کنیم ما می‌بایست این حالت ورای منطق را همیشه همراه خود داشته باشیم. این حالت همچون حالت و شرایط قدس قدشیم (قدس القداس) و کلمات نوشته شده بر روی لوحه‌ها می‌باشد. اگر چه آنها در فضا مکان ثابتی داشتند ولی به تمامی جهان نورافشانی می‌کردند. و اگر چه روش هشانا موقع معینی در زمان برای خود دارد اما تمامی مدت سال از این حالت روحانی این زمان بهره‌مند می‌شود.

۴- آماده‌گی

اما لازمه رسیدن به این حالت داشتن نوعی آمادگی است. و در اولین کلمات پاراشای نیتاویم که قبل از روش هشانا خوانده میشود به این آمادگی اشاره شده است. "امروز، همگی شما، در حضور خداوند خالقان ایستاده اید، سران شما، اسباط شما، پیران شما و پاسبانان شما... از چوب بران شما تا آنانی که برای شما آب می‌کشند". هر فرد یهودی می‌بایست خودش را به جامعه‌اش وصل کند حتی "سران اسباط". رهبران اسباط نیز نمی‌بایست خودشان را جدا از کسانی که برای جامعه آب می‌کشند، بدانند. لازمه ایجاد وحدت در قوم بیسرائل وجود و شرکت داشتن همه بیسرائل‌هاست که در کلمه "همگی شما" نهفته است.

فرد بیسرائلی که برای یکی شدن و اتحاد با جامعه‌اش تفاوت‌های اجتماعی را شکسته، و محدودیت‌های زمانی را نیز زیر پا می‌گذارد. روح روش هشانا را وارد بقیه روزهای سال می‌کند و برکات آنرا به سرتاسر سال گسترش می‌دهد.

(Source: Likkutei Sichot,
Vol. 2, pp. 407-408)

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد دوم صفحه ۴۰۸-۴۰۷)

۲- رجوع شود به طور و شولخان آרוخ - اورخ خنیم فصل ۵

۳- "همه وجود تو" به معنای "همه ذات تو" و "همه هستی تو"

میدانیم که صندوق عهد از هر طرف با دیوار قدش قوداشیم شش متر و هشتاد سانتی متر فاصله داشته است. اینگونه نتیجه می‌گیریم که صندوق عهد هیچگونه مکانی را اشغال نمیکرد. تلمود این تناقض را اینگونه حل می‌کند^۳ که ما به عنوان سنت از پدرانمان آموخته ایم که مکان آرون در حوزه معیارهایی که ما برای اندازه‌گیری مکان استفاده می‌کنیم قرار نداشت. بصورت مشابه کلمات نوشته شده بر روی لوحه‌های تورا اگر چه کلماتی قابل خواندن بودند و امکان اندازه گرفتن آنها نیز وجود داشت ولی موجودیتی جداز لوحه‌ها داشتند و به عنوان مثال حرف میم آخر، که در آخر کلمات می‌آید، و حرف سلخ، که حروف بسته‌ای هستند با معجزه بر سر جای خود قرار گرفته بودند^۴ و قطعه سنگی که میان این حروف قرار داشت به هیچ چیز وصل نبوده و در فضا معلق بود به عبارت دیگر این حروف در مکان بودند ولی فضایی را اشغال نمی‌کردند. ولی ارتباط سفر تورا با محل قدش قوداشیم چگونه بود؟ کلمات تورا با جوهر بر روی پوست نوشته شده بودند و چیز معجزه آسایی در مورد آن وجود نداشت.

۲- (قدش قوداشیم) قدس القداس و جهان

قدش قوداشیم، آنچه را که ماورای بعد مکان و زمان بود را در مکان و زمان شامل می‌شد. اما هدف نهایی از چنین مکانی آن بود که این معجزه می‌بایست به طرف بیرون، یعنی به جهان خارج، فرستاده شود. به طرف محل کهنیم، محل اجتماع بیسرائل‌ها، محل سکونت زنها و بطرف کوهی که بت همیقداش (خانه خداوند) بر روی آن قرار داشت و بسوی تمامی ملت‌های دنیا به این ترتیب بیسرائل‌ها و تمامی مردم دنیا آگاه میشدند که بی نهایت می‌تواند در نهایت یافت بشود و اینکه خداوند در جهان ساکن است.

بنابراین وجود سفر تورا در قدش قوداشیم به عنوان واسطه‌ای مابین این محل مقدس و جهان بود. لوحه‌ها و صندوق عهد نشان دهنده هیچ شدن و نیست شدن در مقابل حضور خداوند بودند که مکانی را اشغال نمی‌کردند. آنها چیزهایی بودند که هیچ شده بودند. اما کلمات تورا که با جوهر بر روی پوست نوشته شده اند قابل لمس بوده و به این ترتیب تورا، واسطه‌ای بود که از طریق آن نور خداوند به تمامی جهانی که در بعد مکان و زمان وجود داشت می‌رسد.

۳- روش هشانا و سال نو

در فلسفه حاسیدیم روش هشانا دارای ویژه‌گی خاصی است. در بقیه روزهای سال ما خداوند

۲- زمان و وظیفه

در مطالب بالا پیام مهمی موجود است. پیامی که می‌بایست در این زمان روی آن تاکید بشود. پیامی که به "سران اسباط شما"^۴ یعنی رهبران روحانی یهودیان، از رهبران اجتماعی گرفته تا سران و پدران خانواده‌ها، مربوط می‌شود.

اولین وظیفه آنها بخصوص در این روزهای ترس و هیبت (روش هشانا)، آن است که نور و چراغ تورا و فرامین آنرا برای تمامی کسانی که تحت تاثیر آنها قرار دارند گسترش دهند. آنها باید طوری عمل کنند که تاثیر تورا بر روی زندگی روزانه آنها بوسیله دیگران مشاهده بشود. آنها وظیفه دارند که برای آنهایی که در حال حاضر از یهودیت و تورا دور هستند این احساس را ایجاد کنند که آنها نیز می‌بایست به ریشه‌های هویت واقعی شان برگشت کنند. برگشت برای شروع یک زندگی جدید و کامل در سال تازه به عنوان یک فرد یهودی کامل با یهودیتی کامل.

و اگر کسی اعتراض کند که در زمان فعلی و در شرایط فعلی مشکل است که انسان یهودیتش را پاک نگاه بدارد. تورا خودش به این موضوع جواب میدهد که "شما ایستاده اید امروز". و این یک فرمان و قول و یا پیش بینی نیست بلکه یک حقیقت زنده می‌باشد. و این حقیقت این است که هر فرد یهودی در مقابل خداوند که منبع قدرت و وجود اوست ایستاده است. وظیفه ما این است که این حقیقت را از حالت بالقوه بصورت بالفعل و عملی در بیاوریم. و با اطمینانی که در این کلمات تورا به ما داده شده است. هر فرد یهودی و همه بیسرائل‌ها در جشن تاجگذاری خداوند در روش هشانا شرکت می‌کنند. جشنی که اعلام پذیرش قدرت مطلق خداوند و سلطنتش بر بیسرائل و بر تمامی جهان می‌باشد.

باعث تأسف است که این موقعیت بسیار خوب از دست می‌رود و بجای سخن گفتن و ترغیب مردم به این مطالب، زمان صرف سخن گفتن از مسائل جهانی میشود. مسائلی که با همه اهمیت شان نه گوینده و نه شنونده نمی‌توانند آنها را حل کنند و یا حتی تاثیری بر آن‌ها داشته باشند. و بسیار ناثر آور است که بجای استفاده کردن از این لحظات برای بیدار کردن روحانی ملت بیسرائل، درباره قوی کردن پیمان‌های جامعه بیسرائل با خداوند و نیرو دادن به افراد یهودی در انجام ماموریتشان، زمان و انرژی سران جامعه صرف مسائل جهانی و بحث‌های سیاسی و موضوعات دیگری شده که مناسب موقعیت (روش هشانا) نمی‌باشد.

۳- پاهایی که سران را رهبری می کنند

نکته دیگری نیز در این کلمات "شما ایستاده اید امروز" نهفته است. اگر چه این پاسوق انواع مختلف شخصیت های افراد بیسرائل را بصورت یک ساختمان بدنی از سرتاپا مشخص و متمایز کرده است. همواره باید بیادداشت که "همانگونه که آلتز ربه خاطر نشان کرده است" ۵ پاهای بعضی اوقات وظیفه سران را هم انجام میدهند. بطور سمبلیک اگر چه سرانسان محل مخیله انسان است که تمامی بدن را رهبری می کند ولی آن پاهای هستند که بدن را به حرکت در می آورند (همچنین سررا) و از جایی به جای دیگری می برند. بنابراین از نقطه نظر روحانی این امکان هم وجود دارد که کسانی که عهده دار آب کشیدن برای جامعه هستند (یهودیان ساده ای که از ایمان و اطاعت خالصی برخوردارند و "پا" تلقی می شوند) به عنوان نمونه هایی برای "سران اسباط شما" که رهبران جماعت هستند تلقی بشوند.

خصوصیت ویژه سر آن است که محل سکونت مغز و فکر و اندیشه است و خصوصیت ویژه پا آن است که به فرامین سر جواب داده و دستورات سر را اطاعت کرده آنها را انجام میدهد. پس چگونه ممکن است که کشندگان آب یعنی یهودیان ساده که از ایمان و اطاعت خالصی برخوردارند بصورت نمونه ای برای رهبران فکری و روحانی جامعه قرار بگیرند؟ آنان شانس و توانایی کسب دانش تورا را نداشته اند و به عنوان قربانیان محدودیت ها و موقعیت های طبیعی تلقی می شوند. آنان دارای چه خصوصیتی هستند که می توانند به عنوان نمونه و مدلی برای سران و مقامات بالای اجتماع قرار بگیرند؟

و این موضوع سؤال دیگری را نیز ایجاد می کند. مگر نه اینکه این خداوند است که به انسان این موقعیت و توانایی را میدهد که چگونه زندگی اش را اداره کند. پس چگونه است که بعضی از افراد جماعت بیسرائل نحوه زندگی شان برطبق آنچه که خداوند می خواهد نمی باشد؟ مگر نه این که او خالق جهان و ایجاد کننده این شرایط و موقعیت هاست. با این حال می بینیم که شرایطی وجود دارد که در آن بعضی از افراد جماعت بیسرائل الارغم خواسته شان و الارغم از خود گذشتگی شان نمی توانند زندگی ای برطبق یهودیت و تورا داشته باشند. ممکن است که رها شدن از این موقعیت هایی که او در آن قرار گرفته است خارج از توانایی او باشد. آیا انتظار انجام چنین عملی (یعنی تغییر دادن شرایط و نوع زندگی اش) نوعی ظلم و بی عدالتی نسبت به او به حساب نمی آید؟

وַיִּלַּח

پارااشای ویلیخ معمولا در شبات بعد از روش هشانا خوانده می شود. در این مبحث محتوی پاراشا و زمان خواندن آن مورد بررسی قرار گرفته است. در پاراشا آمده است که مُشه بعد از نوشتن تورا آنرا به لوی ها میدهد که آنرا در صندوق عهد (آرون) در محل قُدش قوداشیم قرار بدهند. روش هشانا و روز کیپور در تقویم یهودی از بعد دیگری قُدش قوداشیم هستند. این مبحث معنای (قُدش قوداشیم) را مورد بررسی قرار میدهد و ارتباط آنرا با دنیای خارج توضیح میدهد. آیا مقدس (قُدش) و نامقدس (حول) دو حوزه و قلمرو متفاوت هستند؟ آیا تقدس به مکان و زمان های مخصوصی محدود می شود؟

۱- صندوق عهد، لوحه های تورا و سفر تورا

در پاراشای ویلیخ مُشه به لوی ایم اینگونه فرمان میدهد. "این کتاب تورا را بگیرد و آنرا در کنار صندوق عهد خالقتان^۱ بگذارد..." در تلمود^۲ دو تفسیر متضاد در مورد عبارت در "کنار صندوق عهد" آمده است. در اولین تفسیر آمده است که منظور از "کنار صندوق عهد" در واقع همان داخل صندوق عهد است و این تورا با لوحه هایی که ده فرمان بر آن حکاکی شده بود در داخل صندوق عهد در قُدش قوداشیم قرار داشتند و در دومین تفسیر آمده است که این تورا در خارج از صندوق عهد بر روی تیکه اضافی که به لبه صندوق عهد نصب شده بود قرار داشت ولی هر دو در این عقیده مشترک هستند که صندوق عهد در محل قُدش قوداشیم جای گرفته بود به این ترتیب سفر تورا کتبی و لوحه های حکاکی شده هر دو در قُدش قوداشیم بودند.

ما می توانیم ببینیم که لوحه ها دارای خصوصیتی مناسب برای قودش قوداشیم بودند. برای آنکه هر دو آنها بصورت معجزه آسا هم در فضا وجود داشتند و هم محلی را در مکان اشغال نمی کردند یعنی ماوراء بعد مکان بودند. صندوق عهد دارای ابعاد فیزیکی بود درازای آن دو متر و هفتاد سانتی متر، پهنای آن یک متر و دوسانتی متر و بلندی آن نیز یک متر و دو سانتی متر بود و از آنجا که میدانیم پهنای قدس القداس (قُدش قوداشیم) سیزده متر و شصت سانتی متر بوده است و نیز

۴- عمل و خواسته

انسان به خودش بسیار نزدیک است^۶ و برای او بسیار مشکل است که خودش را از خارج از وجود خودش ببیند بنابراین او می بایست بداند که بیشتر این اوست که می خواهد این شرایط را ناممکن ببیند تا اینکه آنها واقعا و حقیقتا ناممکن باشند. و در واقع آنها آن گونه که او آنها را می بیند نیستند. او می بایست برای درک واقعی موقعیتش به شخص دیگری رجوع کند کسی که خودش را فریب نمیدهد و وسوسه نمی شود که به او فقط آن مطالبی را بگوید که برای او خوشایند است. شخصی بالاتر از دیگران که تمامی بینش اش را از تورا می گیرد چرا که تورا، تورا حقیقی است "تورَت امت" و حقیقت معامله پذیر و مخاطره پذیر نمیشد. تنها اوست که می تواند موقعیت هایی را که واقعی و حقیقی هستند و موقعیت هایی را که ساختگی هستند را از هم تشخیص دهد. موقعیت هایی که او خودش برای خودش بوجود آورده که از زیر بار مسئولیت فرار کند.

ده روز تشوا زمانی است که فرد یهودی باید نقاب خودفریبی را از چهره اش بر دارد و به ذات واقعی خود برگردد و این^۶ ذاتی که قسمتی از وجود الهی و آسمانی ایست^۷ خودش را در تمامی جزئیات زندگی او نشان بدهد. در افکار، گفتار و در کردار.

(منبع: نامه ها، پایان ۵۷۳۱ آغاز ۵۷۳۲)
(Source: Igrot Kodesh, Vol. 27, pp. 215-221; pp. 232-237)

جواب این سؤال بصورت خلاصه این است که این حقیقتی است که عمل مهمتر از احساس است و خواسته بدون عمل کافی نیست. ولی هنوز احساس و خواسته دارای اهمیت بسیاری هستند. و زمانی که اینگونه اتفاق می افتد که یک فرد یهودی آن گونه که می خواهد حتی اگر از خودگذشتگی بسیار نیز نشان بدهد نمی تواند عمل کند این حالت در وجود او احساس غم و غصه بسیار عمیقی را ایجاد می کند و مانند آن است که او چیز با ارزشی را از دست داده است. احساسی بسیار عمیق که تمامی ذات روح او را لمس کرده مورد تاثیر قرار میدهد. و این غم و غصه تاثیرش آن است که او گرایشی بسیار قوی بسوی خداوند، تورا و فرامینش پیدا می کند. تا آنجا که بدون این حالت، یهودیت برای او هرگز تا به این اندازه معنی و مفهوم پیدا نمی کرد. در یک چنین موقعیتی او نه تنها قابل سرزنش نمی باشد بلکه بخاطر داشتن یک چنین خواسته عمیقی حتی اگر چه این خواسته به صورت عمل هم در نیامده باشد، او سزاوار گرفتن پاداش است و مهمتر از آن، او به نوعی کمال در زندگی معنوی خود میرسد که چنانچه در موقعیت دیگری قرار داشت به چنین درجه ای از کمال نمی رسید. و از آن بالاتر زمانی که به لطف خداوند او در موقعیت بهتری قرار می گیرد و به او آزادی مذهبی داده میشود میتصوتی که او انجام خواهد داد دارای بُرد و تاثیر بی سابقه ای خواهد بود.

و به این ترتیب است که یک چنین افرادی "کشندگان آب" در جامعه برای سران اجتماع و دیگر یهودیان می توانند نمونه و مدل هایی بشوند تا آنجا که آن افرادی که این حالت را تجربه نکرده اند می توانند از این افراد الهام و درس بگیرند.

۵- ناممکن های واقعی و ناممکن های تصویری

اما نکته مهمی در اینجا وجود دارد که می بایست روشن شود و وسوسه هایی که ما را از راه درست به بیراهه می کشانند بعضی اوقات بسیار بی اساس و بی پایه هستند و قوی ترین این وسوسه ها عشق به خود و خودفریبی است. یکی از راه های خودگول زدن ها این است که ما خودمان را قانع می کنیم که نمی توانیم فرامین خداوند را انجام بدهیم. ما می خواهیم که بر طبق خواسته خداوند زندگی کنیم، و یا الاقل به خودمان اینگونه می گوئیم، ولی شرایط زندگی ما طوری است که نمی توانیم این گونه زندگی کنیم و فرامین خداوند را نمی توانیم انجام بدهیم. ما بار مسئولیت را از دوش خودمان برداشته و به عواملی خارج از کنترل خودمان منتقل می کنیم.

۶- رجوع شود به رمبام - هیلخوت گروشین پایان فصل ۲

۷- تنیابخش اول فصل ۲